

## پیام پلنوم چهل و ششم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

### به کارگران ایران

رفقای کارگر

وحشت از صدای پای سوسیالیسم، رهایی جامعه تداعی میکند. وحشت از انقلاب کارگری!

سه سال گذشته، سه سالی که جنبش محرومان، برای آزادی و رفاه و امنیت، علیه حاکمیت به میدان آمد و در ادامه توسط اعتصابات متحدانه و قدرتمند کارگران در بخش صنعتی، ادامه یافت و هنوز هم در جریان است، با همه اعتراضات چهل سال گذشته، کاملاً متفاوت است.

سه سال گذشته طبقه کارگر ایران، تحت رهبری گرایش کمونیستی خود، بعنوان یک نیروی مدعی، یک قدرت، و جنبشی که رفاه و آزادی و امنیت، را نه فقط برای خود که برای جامعه و برای همه شهروندان

میخواهد، در مقابل حاکمیت، به میدان آمد و هرروز، آگاه تر، مصمم تر و متحد تر، جدال جامعه با جمهوری اسلامی ایران راه هدایت میکند و سازمان میدهد. امروز نام کارگر و پرچم کمونیسم آن با آزادیخواهی، برابری طلبی، آزاد اندیشی، عدالت اجتماعی، رفاه و

دروهای گرم و پرشور پلنوم چهل و ششم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری، حکمتیست (خط رسمی) را بپذیرید.

حزب ما در حالی نشست کمیته مرکزی خود را برگزار کرد، که در ایران تحولات مهمی در جریان است. تحولات مهمی که خصلت آن با همه رویدادهای چهل ساله گذشته در رابطه مردم و جمهوری اسلامی، در رابطه محرومین و حاکمیت، در رابطه صف ستمدیدگان و سرکوب شدگان با ستمگران و سرکوب گران، متفاوت است.

در این ادعا که سه سال گذشته در هر قدم مبارزاتی و اعتراضی، شاهد قدم گذاشتن جامعه ایران به سیر شکل دادن به انقلاب کارگری خود بوده است، نمی توان تردید کرد. جلوه هایی از این واقعیت را امروز بیش از همه میتوان از کلام، چهره و وحشت حاکمیت به روشنی دید.

## توس از اشاعه تب لردگان!

مصطفی اسدپور

لردگان کل جامعه؛ ایران، مردم و جمهوری اسلامی را به زانو درآورده است. یک روستا، چند سرنگ لعنتی و هراس مرگ به سرعت برق و باد از یک فاجعه یک کیفرخواست را شکل داده اند، کیفرخواست یک جامعه بر علیه مجرمین و مسئولین شناخته شده: ما حق داریم زنده بمانیم، چرا ما را میکشید؟ چرا ما را با فقر، با ناداری، با فلاکت و بیکاری و بیماری و چرا با گلوله میکشید؟ لردگان، اعتراض، بی تابی و تب اعتراضی لردگان آن جامعه را در برگرفته است.

لحظات خود رویداد هر کدام سر نخ کلافی را بدست میدهند که هر یک به پرونده جدیدی از بازی با جان مردم ختم میشوند. کودکانی در بستر فقر و کثافت؛ درمانگاهی که شاخص همه چیز هست بجز تأمین و مراقبت بهداشت و سلامتی ساکنان؛ دولتی که بجای نظارت و مراقبت و جوابگویی ناگهان حاضر به براق و دست به ماشه از زمین و آسمان سر بر میاورد؛ هر کدام به سهم خود سرنوشت دیروز و امروز لردگان را با هزاران هزار شهر، روستا، محله و کارخانه سرزمین لعنت زدگان اسلامی سرمایه بهم میبافد. تصور عصبان آن مردم چنگ در قلب انسان میافکند. بمانند صاعقه کابوس مرگ حتمی همه هستی ساکنان لردگان را در هم میپیچد، والدین آشفته جنگ به در و دیوار میکشند، در پی یک پاسخ و در پی یک کور سوی امید، با حمله بیرحمانه، با تیر و تفنگ و با قلاده باز واحد ضد شورش مواجه میگرددند.

چندش آورترین بخش این رویداد در هیاهوی کل دستگاه حکومتی و نمایش فطرت پست در بالماسکه "تقصیرات پزشکیار" است. صحنه سیاست و دوایر دولتی رسمی و رسانه ای سر از پا نمیشناسد تا حکومت خود را از خدمات بی دریغ خویش در تثبیت بی ارزشی جان و حرمت شهروندان بی بهره نگذارند. فریاد "تحقیق کنید!" از همه جا شنیده میشود! معلوم نیست اینهمه مراجع و دوایر و کمیسیون و حجره برای رسیدگی به درد و آلام مردم محروم از کجا سر در آوردند؟ اینها با آن اقتدار و قدرت کشف حقایق و قاطعیت در رسیدگی به کمبودها تا حالا سرشان به کدام آخور گرم بوده است. و افسوس که مردم نمک ناشناس از وجود مبارک این حضرات بی خبر مانده، و صد افسوس که در پی تحقیقات این حضرات بجای بهبوده دندان به جگر گذاشتن بی صبری بخرج میدهند!

لردگان، مردم، در خشم و اعتراض خود حق داشتند.

صفحه ۶

## افسار رها شده اردوغان

خالد حاج محمدی



ترکیه، از جمله منطقه شرق رود فرات که در حال حاضر در دست نیروهای حزب اتحاد دمکراتیک (ی پ گ) است را اشغال کند. روزنامه های ترکیه نوشته اند، "ارتش ترکیه قصد دارد در مرحله نخست عملیات خود، منطقه ای بطول ۱۲۰ کیلومتر و تا عمق ۳۰ کیلومتر در خاک سوریه را به اشغال خود درآورد. آنها مدعی اند بعد از گرفتن این منطقه

کل این منطقه را اشغال کند. دولت فاشیستی ترکیه بمباران و کشتار مردم بی گناه این منطقه را "مبارزه" با تروریسم و تأمین "امنیت" ترکیه نام گذاشته است.

اردوغان مدت زیادی است که مسئله تشکیل "منطقه امن" در شمال سوریه را طرح کرده و به بهانه پوچ امنیت ترکیه عملاً می خواهد مناطق مرزی سوریه با

دولت اردوغان یک بار دیگر به عریه کشی و تهدید مردم شمال سوریه و خصوصاً مناطق کرد نشین این منطقه پرداخت. ترکیه بعد از تهدیدات مکرر و تمرکز نیرو، با عقب نشینی نیروهای آمریکایی از این منطقه، عصر امروز چهارشنبه ۹ اکتبر روستای "راس العین" را بمباران کرد. اردوغان اعلام کرده است که به این حملات از زمین و هوا ادامه خواهد داد و تصمیم دارد

صفحه ۴

- صفحه ۲
- صفحه ۳
- صفحه ۳
- صفحه ۵
- صفحه ۵

علیه افسار گسیختگی دولت فاشیستی ترکیه

مبارزه، مذاکره با اتکا به مجمع عمومی

اطلاعیه پایانی پلنوم ۴۶ کمیته مرکزی حزب

تاریخ در عراق ورق می خورد!

ارتجاع در محاصره میلیون ها مردم محروم

آزادی برابری حکومت کارگری

باشد، که هست، به خودی خود بسیار شورانگیز است!

اما دشمنان، چه در حاکمیت و چه در لباس اپوزیسیون و دوستان دروغین، بی تردید بیکار ننشسته و نخواهند نشست. از دستگیری و سرکوب و "مستند سازی" و بیکار کردن ها و تحمیل فقر و فلاکت بیشتر و .. روش های مقابله قبلی و سنتی حاکمیت، که نشان داد دیگر کار ساز نیست، تا ایجاد شکاف و تفرقه، دستگیری رهبران عملی و سازماندهندگان و فعالین، ترور و توطئه و سر به نیست کردن فعالین موثر، استفاده از قومیت و مذهب و ملیت برای ایجاد شکاف و تفرقه در صفوف ما، استفاده از پول و اسلحه و تکیه بر حمایت

بورژوازی جهانی برای مقابله با انقلاب کارگری، تحركات در منطقه و بخصوص جلوگیری از پیوستن ما به حزب سیاسی خود، همه و همه ابزار حاکمیت برای به شکست کشاندن انقلاب کارگری ما است.

در مقابل این صف، ما بدون وسیع ترین اتحاد و همبستگی، بدون شکل دادن به قدرت متحد و متشکل خود، بدون آگاه بودن و متحد کردن همگان حول آرمان آزادیخواهانه و سوسیالیستی، آرمانی که مانیفست آن در برنامه حزب ما، "برنامه یک دنیای بهتر" به روشنی بیان شده است، در مقابل دشمن، بدون سلاح خواهیم بود!

رفقا!

امروز فرصتی تاریخی و بیسابقه فراهم شده است که طبقه کارگر در ایران یکبار برای همیشه بنیادهای نظامی که جز استثمار و تبعیض، استبداد و نابرابری، فقر و فلاکت، جنگ و نا امنی آرمغانی برای بشریت نداشته پایان بدهد و بر ویرانه های آن یک جامعه آزاد و برابر، مرفه و انسانی و امن را در ایران بنا کند. امروز باید برای برای سازماندهی و رهبری یک انقلاب عظیم علیه جمهوری اسلامی و سرمایه، برای انقلاب کارگری آماده شد!

انقلاب کارگری ایران، میتواند پیروز شود! باید پیروز شود!

حزب حکمتیست (خط رسمی) در کنار شما کارگران کمونیست، خود را برای

انقلاب کارگری ایران، آماده میکند!

حزب حکمتیست (خط رسمی)، همه شما کارگران کمونیست، کارگران پیشرو و فعالین و کمونیست های کارگری را به پیوستن به صفوف خود، فرا میخواند

آزادی، برابری، حکومت کارگری  
مرگ بر جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی حزب کمونیست  
کارگری - حکمتیست (خط رسمی)  
۱۹ اکتبر ۲۰۱۹  
۱۷ مهر ۱۳۹۸

**به عنوان گام نخست در سازماندهی شورائی کارگران و به عنوان یک راه حل فوری و قابل تحقق برای پر کردن خلاء ناشی از فقدان تشکلهای توده ای کارگری، حزب حکمتیست (خط رسمی) خواهان شکل گیری و گسترش جنبش مجمع عمومی کارگری است. هدف جنبش مجمع عمومی ایجاد یک شبکه وسیع از مجامع عمومی کارگران در کارخانه ها و واحدهای تولیدی و اقتصادی مختلف، منظم کردن و مرتبط کردن آنها با هم و از این طریق ایجاد هر چه سریعتر یک ابزار تشکیلاتی موثر و یک رهبری عملی کمابیش سراسری در مبارزات جاری کارگری است.**

**جنبش مجمع عمومی، که باید با فعالیت آگاهانه کارگران کمونیست بر پا شود، از این نقطه قدرت اساسی برخوردار است که در عین اینکه گام نخست در سازماندهی شوراهای کارگری است، هم اکنون بدلیل وجود زمینه های مادی بسیار مناسب در جنبش کارگری قابلیت تحقق سریع اهداف خود را دارد.**

(قطعنامه در باره تشکلهای توده ای طبقه کارگر)

### علیه افسار گسیختگی دولت فاشیستی ترکیه

باخته تر از آن است که خریداری داشته باشد.

زندگی و آسایش مردم بیگناه سوریه سالها است دستمایه کشمکشهای قدرتهای ارتجاعی منطقه ای و جهانی شده است. دیروز کشمکش این قدرتها خیزش مردم سوریه برای آزادی و رفاه را به جنگی ارتجاعی میان باندهای دست سازشان تبدیل کرد و امروز توافقاتشان قرار است دوباره مردم را در سوریه قربانی سهم خواهی های پس از توافقات کند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
(خط رسمی)

۱۰ اکتبر ۲۰۱۹

عصر روز چهارشنبه ۹ اکتبر، حمله نظامی ترکیه به سوریه با بمباران روستای "راس العین" آغاز شد. وزارت دفاع اعلام کرده است که ارتش ترکیه در عملیات نظامی خود در شمال شرق سوریه اهداف از قبل تعیین شده را به کنترل خود در آورده و حملات خود را ادامه خواهد داد.

این منطقه شده است.

بمباران و توپ باران مناطق مسکونی و کشتار مردم بیگناه توسط دولت ترکیه چیزی جز افسار گسیختگی یکی از فاشیستی ترین دول منطقه در رقابت با رقبای منطقه ای خود نیست. افسارگسیختگی که بر متن کشمکش قدرتهای جهانی در خاورمیانه و جنگ و ویرانی ناشی از آن به روال و نرم تبدیل شده است. بهانه مقابله با تروریسم رنگ

عصر روز چهارشنبه ۹ اکتبر، حمله نظامی ترکیه به سوریه با بمباران روستای "راس العین" آغاز شد. وزارت دفاع اعلام کرده است که ارتش ترکیه در عملیات نظامی خود در شمال شرق سوریه اهداف از قبل تعیین شده را به کنترل خود در آورده و حملات خود را ادامه خواهد داد.

حمات ارتش ترکیه در شمال شرقی سوریه تا کنون باعث کشته شدن دهها نفر و آوارگی هزاران تن از مردم بیگناه

**شور رفاه، آزادی و امنیت را به پرچم خود تبدیل کنید**

## مبارزه، مذاکره با اتکا به مجمع عمومی

مظفر محمدی



مقیسه را جدی بگیرند. در جمهوری اسلامی برای حفظ منفعت سرمایه و سود، سرکوب اساس است. مذاکره مجلسیان هم در توازن قوای معینی در خدمت همین منفعت است. برای کارگران هم مذاکره بخشی از مبارزه برای احقاق حقوق خود و کند کردن لبه ی تیغ سرکوب دشمن است. اما فراموش نکنیم که تاثیر مذاکره تنها در توازن قوایی است که طرفین دارند. جمهوری اسلامی از طرفی چاقو را بیخ گلوی کارگر گرفته و از طرف دیگر او را به مذاکره دعوت می کند. نمایندگان واقعی و منتخب مجمع عمومی، شورا یا سندیکا هم به مذاکره می روند اما همزمان با اعتصاب و اعتراض توده ای خود، گلوی کارفرما را می فشارند و تا نتیجه مذاکرات اعتصاب را ادامه می دهند. بدون این کار توازن قوا نابرابر است و از مذاکره چیزی حاصل نمی شود. این که گویا جناحی یا نهادی از رژیم مدافع حقوق کارگر است، توهم و اشتباه محض است. اگر کسی مثل ریسی وعده ای می دهد و یا کمیسیون اجتماعی مجلس نمایندگان کارگران را به مذاکره دعوت می کند باید یقه شان را چسپید که وعده شان را انجام دهند وگرنه دروغشان آشکار و دستشان رو می شود.

**دوم-** مطالبات کارگران اگر در سطح پرداخت معوقه ها باقی بماند و یا به تغییر مدیریت معهود گردد، همانطوریکه تا حالا بوده، در کشمکش فرسوده کننده و گاهی با پرداخت مبلغی ناچیز بعنوان بخشی از معوقه ها، کارگران را سر می دوانند و برای خود زمان می خرند. اتفاق جدیدی که در اعتصابات فولاد و هفت تپه افتاد، علاوه بر طرح خواستههای مرکب و توقعات بیشتر، پافشاری بر مجمع عمومی و شوراهای کارگری بود. و این بعنوان نقطه قدرت کارگران، بورژوازی و دولت را به تکاپو انداخت. بورژوازی و کارفرما ها به خطر اتحاد و تشکل مستقل

مقیسه به رهبران کارگران هفت تپه، صاحبان نشریه گام حامی کارگران و گزارشگر اعتصاب کارگران، فعالان اول مه، مدافعان حقوق زن و ... بیش از یکصد سال حکم زندان داده است. ابراهیم رئیسی رئیس قوه قضائیه احکام صادره را زیر سوال برده است. مجلسیان رژیم احکام را ناعادلانه و نابخردانه دانسته اند. فرمانده سپاه قدس از حقوق کارگر حرف زده، دولت روحانی و وزارت کارش خفقان گرفته است. کمیسیون اجتماعی مجلس کارگران هفت تپه را به مذاکره دعوت کرد...

همزمان، قاضی مقیسه از احکامش دفاع کرده و گفته، دنیا و آخرت را برای خود خریده است. به اعتراض کارگران آذر آب با گاز اشک آور حمله شده است. در حمله گارد ویژه به کارگران هپکو ۲۸ کارگر بازداشت و ۱۵ تن زخمی شدند. ۴۰ تن از کارگران هفت تپه تلفنی احضار شده اند. ۱۱ تن دیگر از کارگران هفت تپه به دعوت مجلس اسلامی به تهران می رفتند در مسیر شوش تهران بازداشت شده اند...

حق با کیست؟ در این جنگ و مذاکره، طبقه کارگر ایران با که طرف است؟ جواب صحیح این است: با یک نظام! کل دستگاه های دولتی، قضایی، مجلس، سپاه و نیروهای سرکوب حافظ این نظام اند: نظام سرمایه داری ایران.

حرف اول و آخر را قاضی مقیسه به نمایندگی کل این نظام زده است. او با احکامش دنیا و آخرت را خریده است. آخرت پیشکش، اما دنیا را برای خود و نظام سرمایه داری ایران

حرف اول و آخر را قاضی مقیسه به نمایندگی کل این نظام زده است. او با احکامش دنیا و آخرت را خریده است. آخرت پیشکش، اما دنیا را برای خود و نظام سرمایه داری ایران

حرف اول و آخر را قاضی مقیسه به نمایندگی کل این نظام زده است. او با احکامش دنیا و آخرت را خریده است. آخرت پیشکش، اما دنیا را برای خود و نظام سرمایه داری ایران

اگر به صحنه سیاسی ایران و عملکرد دولت و نهادهای مختلف جمهوری اسلامی سرمایه داران نگاه کنی ممکن است بخشی از طبقه کارگر را متوهم یا گیج کند و از خود بپرسد بالاخره ما با که طرفیم؟ مقیسه بد است، ریسی خوب است. اطلاعات سپاه بد است، وزارت اطلاعات خوب است. قاسم سلیمانی قهرمان ملی است. روحانی از کارگران می خواهد مجانی کارکنند و کم بخورند، اما آغا و رهبر نگران است. مجلسیان محبت می کنند اما نهادهای سرکوب خودسر عمل می کنند!

اما هیچکدام از این توهمات واقعیت ندارد. کل این سیستم در کنار هم و پشت هم، تمام هم و غم شان دفاع و حفاظت از نظام سرمایه داری ایران بهر قیمت است. به قیمت ندادن حقوق کارگر.

طبقه کارگر در مسیر این جدال ها و مبارزه و مذاکره ها دو اصل اساسی را نباید فراموش کند:

**یکی-** فعالین و رهبران کارگری، تجمعات و مجمع عمومی، شوراها و سندیکاهای مستقل کارگری باید حرف

## اطلاعیه پایانی پلنوم ۴۶ کمیته مرکزی

### حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)

پلنوم ۴۶ کمیته مرکزی حزب حکمتیست (خط رسمی) با شرکت اکثریت اعضا کمیته مرکزی در روزهای ۵ و ۶ اکتبر در شهر گوتنبرگ شوئد برگزار شد.

دستورات پلنوم ۴۶ عبارت بودند از:

- \* گزارش کمیته رهبری
- \* کنگره دهم حزب
- \* اوضاع سیاسی ایران و موقعیت حزب
- \* ناسیونالیسم کرد، جایگاه ما و کمونیسم در کردستان
- \* قرارهای پیشنهادی
- \* انتخابات

پلنوم با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانب‌باختگان آزادی و سوسیالیسم شروع به کار کرد.

سیاسی و اجتماعی، بر عروج طبقه کارگر خودآگاه در راس اعتراضات اجتماعی، به وزن کمونیسم و آلترناتیو کمونیستی در جنبش کارگری و تأثیرات و فشار این جنبش بر حاکمیت، بورژوازی، بر اپوزیسیون بورژوازی از راست تا اپوزیسیون موسوم به چپ، تأکید داشتند.

پلنوم همچنین در رابطه با موقعیت ناسیونالیسم کرد و احزاب آن، تغییرات در بلوکبندیهای احزاب کردی در سطح منطقه و ایران، به بحث پرداخت. پلنوم با توجه بر موقعیت ویژه حزب در کردستان بر ضرورت دخالت مستقیم و فعال در شکل دادن به صفی کمونیستی و رادیکال در مقابل همه این بلوکبندی ها تأکید کرد.

پلنوم برگزاری کنگره دهم حزب در نیمه اول سال ۲۰۲۰ را تصویب کرد.

در دستور انتخابات ابتدا آذر مدرسی بعنوان دبیر کمیته مرکزی در پست خود

پلنوم همچنین در رابطه با موقعیت ناسیونالیسم کرد و احزاب آن، تغییرات در بلوکبندیهای احزاب کردی در سطح منطقه و ایران، به بحث پرداخت. پلنوم با توجه بر موقعیت ویژه حزب در کردستان بر ضرورت دخالت مستقیم و فعال در شکل دادن به صفی کمونیستی و رادیکال در مقابل همه این بلوکبندی ها تأکید کرد.

پلنوم همچنین در رابطه با موقعیت ناسیونالیسم کرد و احزاب آن، تغییرات در بلوکبندیهای احزاب کردی در سطح منطقه و ایران، به بحث پرداخت. پلنوم با توجه بر موقعیت ویژه حزب در کردستان بر ضرورت دخالت مستقیم و فعال در شکل دادن به صفی کمونیستی و رادیکال در مقابل همه این بلوکبندی ها تأکید کرد.

زنده باد سوسیالیسم

مرکز بر جمهوری اسلامی

## افسار رها شده

سه میلیون آواره سوریه ای را در آنجا "مستقر" خواهد کرد.

دولت جنایتکار اردوغان تصمیم دارد ضمن به اشغال درآوردن منطقه ای وسیع از کردستان سوریه و کشتار و آوارگی و خانه خرابی مردم، آوارگان سوریه ای مستقر در ترکیه، که عملاً آنها را گروگان گرفته است، در این منطقه مستقر کند. این مردم محروم که از جنگ ارتجاعی در سوریه خانه و زندگی خود را از دست داده و به ترکیه پناه برده اند، امروز قرار است به عنوان ابزار و بازیچه ترکیه بکار گرفته شوند. حتی زندگی این مردم، حق بازگشت به محل زندگی خود و هر جا که میخواهند حق مسلم آنها است، اما نقشه اردوغان مبنی بر استقرار آنها در مناطق اشغالی خود در کردستان سوریه نه تنها وحشیانه که ابزار راه انداختن نفاق و دشمنی کور در میان مردم سوریه است.

اقدام دولت ترکیه چیزی جز تصمیم به کشتار وسیع مردم این منطقه به بهانه مبارزه با تروریسم و پ ک ک نیست. کشتاری که در یک دهه اخیر به وسعت خاورمیانه در جدال میان دول امپریالیستی و متحدین منطقه ای و محلی آنها در جریان بوده است. کارگران و مردم محروم در سوریه، لیبی و عراق درست مانند جنگ خلیج و بمباران عراق توسط ناتو به بهانه مبارزه با صدام، در کل این کشورها ابتدا به بهانه مبارزه با دیکتاتورها و سرانجام به بهانه جنگ با داعش، وسیعاً کشتار شدند. در دل "مبارزه" با داعشی که همراه انواع گروههای جنایتکار و آدم کش در دامن خودشان متولد و پرورش یافتند، صدها هزار انسان را به خاک و خون کشیدند، خانه و کاشانه آنها را ویران و دهها میلیون انسان را آواره و خانه بدوش کردند. در این جنایات از دولت آمریکا تا ترکیه، عربستان، اسرائیل، روسیه، سوریه، ایران و ... سهمیه بوده اند. اگر روزی قرار باشد سران جریانات تروریستی و جنایتکاران جنگی را محاکمه کرد، بی تردید روسای دولت ترکیه، عربستان، ایران و آمریکا و روسیه و ... همگی قبل از آدم کشان داعش باید محاکمه شوند.

در دل لشکر کشی و بمباران مردم زحمتکش در سوریه توسط ارتش ترکیه، به روال همیشگی در میان ناسیونالیستهای کرد، صدایی آشنا شنیده میشود. میگویند آمریکا به "کرد" از پشت خنجر زده است. این ادعا پوچ و بی اساس است. لابد کسی که خود را متحد آمریکا میداند، به آمریکا اعتماد میکند، او را مدافع مردم محروم میداند، امروز هم ترک سوریه از جناب آمریکا را خیانت به خود و مردم زحمتکش حساب میکنند. این توهمات و دمدین در اینگونه امید و آرزوها، بخشی از مشکلات امروز مردم

کردستان سوریه است. آمریکا هیچ زمانی برای دفاع از مردم زحمتکش در سوریه و هیچ کجای دنیا وارد جنگ با کسی نشد. آمریکا درست مانند بقیه دولتها در دوره ای تاریخی و برای حل و فصل معضلات خود با حریفان جهانی و منطقه ای وارد جنگی شد، جنگی که در آن از ارتش آمریکا و بقیه نیروهای مسلح آن کمترین استفاده شد. جنگی که بر دوش دیگران و از جمله جریاناتی که اکنون میگویند به آنها خیانت کرده است، پیش برده شد. دولت ترامپ مانند بقیه دولتهای مرتجع در این دوره و برای پیشبرد جدال خود با رقبایش از هر جریان و حزب و دولتی در خدمت اهداف و سیاست خود استفاده کرد و اکنون به آنها احتیاجی ندارد و همه را مرخص کرده است. خدمت آنها تمام شده است و افاضات ترامپ علیه ترکیه که نباید حمله کند و... نیز، فقط تبلیغاتی ریاکارانه است.

امروز و بعد از ویرانی سوریه، توازنی میان بازیکنان در جنگ سوریه ایجاد شده است. آمریکا راهی جز عقب نشینی در مقابل خود ندارد، مانند در سوریه را به نفع خود نمیداند و کل خاورمیانه جایگاه گذشته را برایش ندارد. اعتراضات به ترامپ برای عقب نشینی از سوریه در هیئت حاکمه آمریکا نیز ربطی به دلسوزاندن برای مردم کرد زبان ندارد. برای هیئت حاکمه آمریکا، عقب نشینی از سوریه به معنای پذیرش شکست در مقابل روسیه است. مخالفت آنها با تصمیم ترامپ و خارج شدن از سوریه، تلاش برای نپذیرفتن این شکست است. نه آمدن دیروز نیروهای آمریکا به خاورمیانه برای نجات جان مردم این منطقه بود و نه رفتن امروز آنها.

افسار زدن دولت ترکیه هم کار آمریکا و شرکایش، کار دولتهایی که خود مسبب و بانی این توحش و از هم گسیختگی شیرازه جامعه در سوریه و ویرانی و کشتار و سازمان دادن انواع بانهای ارتجاعی منجمله داعش اند، نیست. افسار زدن دولت فاشیست اردوغان کار طبقه کارگر در ترکیه، در کشورهای غربی و در همه منطقه است. لشکر کشی اردوغان به سوریه و کشتار مردم بی دفاع این منطقه جنایت جنگی است. جنایتی که امروز به یمن منافع اقتصادی و سیاسی این دولتها به نرم جهان تبدیل شده است. به این توحش باید پایان داد. پایان دادن به این توحش کار طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در جهان است. کشورهای خاورمیانه از سوریه تا عراق و... باید از حضور دولتهای مختلف منطقه ای و جهانی خالی شوند. تعیین تکلیف با مرتجعین حاکم بر این کشورها کار جنبش طبقه کارگر و مردم آزادیخواه این کشورها است. جنبشی که امروز در ایران و عراق شاهد حضور وسیع مردم محروم برای پایان دادن به حاکمیت این جنایتکاران و افسار زدن آنها هستیم.

**حزب حکمتیست (خط رسمی) و کارگران کمونیست و مبارزه بطور کلی باید بر مبنای این زمینه مساعد و با اتکاء به تمایلات و گرایشات موجود در میان کارگران برای اتکاء به مجامع عمومی در مبارزات جاری، جنبش مجمع عمومی را به عنوان یک حرکت آگاهانه، هدفمند و وسیع در میان کارگران سازمان و گسترش دهند. کارگران کمونیست و فعالین جنبش مجمع عمومی وظیفه دارند:**

**۱- ایده کارآیی مجمع عمومی به عنوان یک ارگان مبارزاتی موثر و رکن شوراهای کارگری، و نیز افق وسیعتر جنبش مجمع عمومی را در میان کارگران تبلیغ و تثبیت نمایند و کارگران را به تبدیل شدن به فعالین جنبش مجمع عمومی فراخوان دهند.**

**۲- در هر واحد تولیدی کارگران را به تشکیل مجامع عمومی فراخوانند.**

**۳- برای منظم کردن تشکیل مجامع عمومی (مستقل از وجود اعتراض و اعتصاب در هر واحد) مستمرا فعالیت کنند.**

**۴- مجامع عمومی را به عنوان سخنگوی واقعی کارگران به رسمیت بشناسانند.**

**۵- برای مرتبط کردن مستمر و سازمان یافته مجامع عمومی با یکدیگر مداوما تلاش نمایند.**

**۶- مجامع عمومی را هر چه بیشتر در قلمرو قراردادهای دسته جمعی، حل اختلاف، ابراز نظر و تصمیم گیری درباره طرحها و اقدامات دولت فعال نمایند.**

(قطعنامه در باره تشکلهای توده‌ای طبقه کارگر)

شور رفاه، آزادی و امنیت را به پرچم خود تبدیل کنید

## تاریخ در عراق ورق می خورد!

در روزهای اخیر، میلیون ها کارگر و زحمتکش و جوانان بیکار شهرهای عراق از بصره تا بغداد بپا خاسته و حاکمیت قومی، مذهبی و میلیشیایی عراق را نشانه گرفته است.

خیزش میلیونی زحمتکشان و محرومان عراق برای رفاه، تامین معیشت و کوتاه کردن دست مافیای سیاسی، نظامی و اقتصادی عراق و حکومت میلیشیایی قومی-مذهبی و علیه حاکمیتی است که بیش از دو دهه است که نان و معیشت و آزادی مردم زحمتکش را گرو گرفته است. طبقه کارگری که به جنایتکارانه ترین شیوه استثمار شده و از ابتدایی ترین حقوق و آزادی تشکل مستقل محروم گشته، مردمی که فاقد ابتدایی ترین امکانات رفاهی و معیشتی و بهداشت و درمان و آموزش و امنیت و آزادی اند، برای آزادی، امنیت به میدان آمده اند.

خیزش مردم عراق علیه فساد مالی، برای رفاه، آزادی و رهایی از ترور و ستم و سرکوب، برگ جدیدی از تاریخ این کشور

آن به اهرم فشار در تقابلهای دول ارتجاعی منطقه و یا گرفتن امتیاز بیشتر در تقسیم قدرت، فاقد صلاحیت و مشروعیت و مطلقاً بی ربط به خواستههای اعتراض میلیونی زحمتکشان عراق و منفعت آن ها است.

حکومت میلیشیایی و نامشروع عراق با ترور و کشتار و زخمی کردن شمار زیادی از مردم بپاخاسته نشان داده است که نه فقط توانایی تامین معیشت مردم و آزادی و امنیت جامعه را ندارد، بلکه تداوم حیات خود را در سرکوب و کشتار و ارباب می بیند. حمله وحشیانه آنها به اعتراض مردم بپاخاسته و صدها کشته و هزاران زخمی و دستگیری تعداد وسیعی از معترضین بیان این حقیقت است.

مردم زحمتکش عراق علیه کلیت نظام قومی و مذهبی و عشیره ای و مافیایی بپا خاسته است. تامین خواستها و پیروزی مردم معترض در گرو اتحاد و سازمان یابی، تامین رهبری کمونیست ها، سوسیالیست ها و رهبران آزادیخواه و برابری طلب با برنامه و افق حاکمیت شوراهای کارگری و مردمی است.

مردم زحمتکش عراق علیه کلیت نظام قومی و مذهبی و عشیره ای و مافیایی بپا خاسته است. تامین خواستها و پیروزی مردم معترض در گرو اتحاد و سازمان یابی، تامین رهبری کمونیست ها، سوسیالیست ها و رهبران آزادیخواه و برابری طلب با برنامه و افق حاکمیت شوراهای کارگری و مردمی است.

**حزب حکمتیست - خط رسمی**  
**۶ اکتبر ۲۰۱۹ (۱۵ مهرماه ۹۸)**

## ارتجاع در محاصره میلیون ها مردم محروم از بصره و بغداد و سلیمانیه تا تهران و خوزستان و لردگان!

انفجار اعتراضی مردم محروم در عراق علیه فقر و فلاکت و حاکمیت دست ساز باندهای ارتجاعی قومی و مذهبی، که بیش از بیست سال است مردم در عراق را به فقر و محرومیت و بیکاری و بی افقی برای یک زندگی انسانی کشانده اند، مستقیماً دخالت و حضور جمهوری اسلامی ایران را، نشانه گرفته است! گفته میشود که سفارت جمهوری اسلامی در بغداد توسط مردم معترض مورد حمله قرار گرفته است و رویارویی مردم با قدرت حاکم، مستقیماً به رویارویی با دستجات مسلح متکی به جمهوری اسلامی، حشدالشعبی و .. کشیده شده است. مردم عراق خواهان کوتاه شدن دست جمهوری اسلامی ایران از عراق و همراه با آن خواهان به زیر کشیدن دولت المهدی هستند.

بیش از بیست سال حاکمیت باندهای ارتجاعی قومی و مذهبی در عراق، با شراکت مسقیم ارتجاع اسلامی ایران و جمهوری اسلامی، مردم عراق را به فقر و محرومیت و آینده تاریک محکوم کرد و عراق را بیش از پیش به میدان تخاصمات و رقابت های مرتجع ترین قطب های منطقه ای و جهانی تبدیل کرد.

بیش از بیست سال حاکمیت باندهای ارتجاعی قومی و مذهبی در عراق، با شراکت مسقیم ارتجاع اسلامی ایران و جمهوری اسلامی، مردم عراق را به فقر و محرومیت و آینده تاریک محکوم کرد و عراق را بیش از پیش به میدان تخاصمات و رقابت های مرتجع ترین قطب های منطقه ای و جهانی تبدیل کرد.

اعتراضات وسیع و تعرضی مردم عراق برای معیشت و رفاه و یک زندگی انسانی، سوت پایانی بر سیر باطلاقیزه شدن عراق است. این آغاز به میدان آمدن قدرت و نیروی دیگری در

عراق، بین مردم فقر زده و محروم، بین طبقه کارگر، در هر دو کشور بوده است.

جمهوری اسلامی ایران، بعنوان قدرت مخربی که زندگی و رفاه و امنیت مردم در ایران و عراق، و در کردستان عراق، و در خود ایران را گرو حفظ نظام خود کرده است، در منزل هم، در محاصره محکومین است. از تهران تا خوزستان و لردگان و شوش و اراک و اصفهان و .. در سراسر ایران، در منگنه محاصره محرومین است که هر روز برای ابتدایی ترین خواست هایش، حقوق های معوقه، بیکاری، فقر، سلامت، بهداشت و درمان و محیط زیست، و ... مورد تعرض قرار میگیرد.

مردم در عراق و ایران، نه تنها دشمنی با هم ندارند، که هم سرنوشت و در جدال با ارتجاع در منطقه و در جامعه خود، هم سنگر اند.

حزب حکمتیست (خط رسمی)، در این جدال خود را در کنار مردم در عراق و در کردستان عراق، در کنار طبقه کارگر عراق می داند و این جدال را جدال خود میدانند.

جمهوری اسلامی ایران، به حق مورد نفرت مردم در عراق است! جمهوری اسلامی ایران، به حق مورد نفرت مردم در ایران است! این ارتجاع امروز توسط مردم معترض در هر دو کشور، توسط جنبش کارگری و جنبش برای رفاه و آزادی و امنیت، در محاصره قرار گرفته است. نباید اجازه داد حلقه محاصره را بشکنند و با استفاده از باندهای مرتجع قومی و مذهبی و یا فرصتی که دخالت قدرت

**زنده باد اتحاد و هم سرنوشتی**  
**مردم در ایران و عراق**  
**زنده باد سوسیالیسم**

**حزب کمونیست کارگری -**  
**حکمتیست (خط رسمی)**  
**۱۷ اکتبر ۲۰۱۹**

مجمع عمومی تنها نماینده اراده مستقیم کارگران

ترس از اشاعه تب لردگان

راستی این مردم چگونه این سه ماه انتظار لعتی را در مقابل این دریای بی تفاوتی و لاقیدی این مقامات از سر گذرانده اند؟

سرگرم هستند؛ و مهمتر اینکه همگی هنوز از ما مردم طلبکارند، برای این نقش و نقشه شوم از خون مردم تغذیه میکنند، جلال و جبروت زندگی و حکومت انگلی را برخ میکشند و دو قورت و نیمشان هم باقی است.

باید این مردم را زد و بست و کشت و هنوز هم طلبکار بود، تا هیچ کس جرات اعتراض را بدل راه ندهد؛ این سکوی استواری جمهوری اسلامی است که هر چه میگذرد بیشتر از قبل از هستی و توقعات مردم قربانی میگردد.

از جمهوری اسلامی باید ترسید، نه بخاطر اینکه قدرتمند است، برعکس، بخاطر هراس و دست پاچگی آن در مقابله با توقعات مردم.

جمهوری اسلامی جوهره فشرده ای از تباهی و سودجویی متکی بر استثمار و کار مزدی است. اگر هر اعتراض و هر اعتصاب یک زمین لرزه است، اگر هر اعتراض و اعتصاب مستلزم رزه مفلوک واحد سرکوب در عین حمل پیژامه سفید وزرا و رئیس قوه قضائیه بر سرنیزه ها است، از ترس همه گیر شدن تب لردگان در صف اعتراض کارگران، بیکاران، معلمان، زنان، زندانیان برای نان و کار و آزادی و حرمت و برای حق کشته نشدن است. جمهوری اسلامی به چه زبانی بگوید در قاموس او قانون، قانون جنگل و مبتنی بر زور است.

باید با جمهوری اسلامی با زبان خودش، با زبان لردگان حرف زد. تنها شرط پیروزی ما اینست که اعتراض لردگان را تنها نگذاریم.

راستی تکلیف پدر و مادری با یک برکه تشخیص ایدز بر پیشانی فرزند خود در مواجهه با وحش دولتی که حتی به روی خود نمیآورند، چیست؟ تکلیف مردم با ادامه انگار نه انگار "درمانگاه اشاعه مرگ" چه میتواند باشد؟ بالاخره این مردم از کدام درب دستشان به فرماندار برسد که بجای اراجیف فضل فروشانه در باب اشاعه بیماری اچ ای وی سرش به کار خود باشد؟

رویدادهای لردگان، فاجعه ایی از نوع فاجعه زندگی فلاکتبار کارگر و زحمتکش در سراسر ایران است. پاسخ جمهوری اسلامی هم به همه از یک جنس است. سرکوب! دستمزدهای نازل، فقدان بیمه ها، بیکاری، بی مسکنی، نبود دارو، نا امنی کار کل این سرزمین را به محیط خطرناکی برای انواع بیماری روحی و روانی برای مردم زحمتکش تبدیل کرده است. بخش زیادی از این مردم با توشه دوره طولانی از درد و دشواری با زندگی وداع میکنند بدون اینکه حتی شناس بیآورند و بفهمند چه بر سرشان آمده است. همه جا بیمارستان هست، اما سهم کارگر و زحمتکش از یک تابلو در پشت حصار دست نیافتنی فراتر نمیرود. همان حصار که بدور کار، بدور نان، بدور مسکن کشیده شده است. از همه چیز هست، بوفور هست، و حسرت دسترسی به آنها موجد مرگ و نابودی است.

آنچه امروز لردگان را بیش از هر چیز دیگر یادآور ایران میکند سایه سنگین سرکوب، گلوله و بوی باروت است. اگر کار، نان، بهداشت، مسکن، سرنگ و دارو و دکتر و بیمارستان نیست در عوض به ازاء تمام و یکایک کوره دهات و هر کارگاه و محله باندازه کافی زندان و پادگان و باندازه کافی مزدور و تفنگ هست. در این نظام هیچ چیز قانونی تر از بازی با زندگی کارگر و زحمتکش نیست. میشود رفت و روزنامه ها را ورق زد و دید چگونه کارفرما با اخراج و بستن تنها منبع معاش را از گرسنگی میکشد، بیمارستان به بهانه پرداخت حق بیمه، مجلس به بهانه کسر بودجه، ناامنی کار به بهانه سود لازم، و ... دست آخر هم وحشی ترین ماموران در گوشه زندان و یا در کنار خیابان به بهانه نظم رسما و قانونا به بازی با جان کارگر و مردم زحمتکش

نشریه هفتگی

حزب حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سرمدبیر: آذر مدرسی  
azar.moda@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

فیسبوک حزب

facebook.com/HekmatistX

رادیو نینا

radioneena.com

تلگرام رادیو نینا

@Radionenna

اینستا گرام رادیو نینا

instagram.com/radioneena/

تماس با حزب

دبیرخانه حزب: هساره ابراهیمی

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

سایت آرشیو آثار منصور حکمت

hekmat.public-archive.net

حکمتیست را چاپ و توزیع کنید

و بدست کارگران کمونیست برسانید

برای آزادی، برابری به حزب حکمتیست پیوندید